

سپهسالارها

میرزا محمدخان سپهسالار - حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار - وجیه‌الله
میرزا سپهسالار - محمد ولی خان سپهسالار .

میرزا محمدخان سپهسالار

-۱-

میرزا محمد خان سپهسالار پسر دوم امیرخان سردار دانی عباس میرزا نایب‌السلطنه است . فتحعلی‌شاه به دستور آقا محمدخان ، دختر فتحعلی خان قاجار دولو یعنی خواهر امیرخان سردار را به حیالته نکاح در آورد و عمره این ازدواج عباس میرزا نایب‌السلطنه بود که به ولیمهدی انتخاب گردید . منظور آقا محمدخان از مواصلت باباخان (فتحعلی شاه) با فتحعلی خان دولو این بود که دولوهارا با قوانلوا در سلطنت ایران شریک و سهمیم کند تا دولوهارا باین ملاحظه از آن پس به مخالفت با خانواده قوانلو برنخیزند .

امیرخان سردار بسال ۱۲۴۲ در صحرای زکم و شمکور حوالی گنجه در اثنای جنگ ابران و روسیه کشته شد و ۱ نصرالله خان فرزند ارشد او در اوایل سلطنت محمد شاه به منصب کشیکچی انتخاب گردید . در سنه ۱۲۵۰ هـ . ق که متوجه خان کرچی و فیروز میرزا و جمعی از سران سپاه همراه با عدمای قشون مکمل و مجهز برای دستگیری حسین علی میرزا فرمانفرما و حسن علی میرزا شجاع‌السلطنه به فارس رفتند میرزا محمدخان قاجار جزو سران لشکر بود . پس از ورود اردو به شیراز میرزا محمدخان در منزل رضاقلی میرزا نایب‌الایاله فرزند ارشد فرمانفرما که چند روز پیش فراراً از شیراز سمت بصره و بغداد رفته بود سکونت اختیار کرد . ۲

میرزا محمد خان بسال ۱۲۵۶ که میرزا نصرالله خان برادرش به حکمرانی فارس منصوب گردید به جای او کشیکچی باشی شد . ۳ چندی بعد حاجی میرزا آقاسی او را بر این مقام بر کنار محمد ناصر خان (بعدها ظهیرالدوله) را به جای او منصوب کرد اما ۴ دبری پنهانید که مجدداً به آن مقام برگزیده شد . زیرا در موقع فوت محمد شاه که بسال ۱۲۶۴ اتفاق افتاد میرزا محمدخان با همان سمت کشیکچی باشیگری حسین علی خان معیر الممالک و حاج علیخان (حاجب‌الدوله بعد و ضیاء‌الملک و اعتمادالسلطنه بعد تر) و رضاقلی خان هدایت را احضار و آنان را از مرگ شاه آگاه ساخت . ۵

میرزا محمد خان در زمان ناصرالدین شاه بسمت سابق یعنی کشیکچی باشیگری ابقا گردید و در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ یک قبضه شمشیر مرصع به رسم خلعت به او اعطا و ضمناً حکومت دامغان و سمنان نیز به او محول شد . کشیکچی باشی امام فلی خان راه‌نیابت به سمنان فرستاد و خود کماکان

- ۱- تاریخ نو ص ط و صفحات ۴۳ و ۴۴ و روضه‌الصفای چاپ خیام جلد دهم ص ۱۱۰ و منتظم
- ناصری جلد سوم ص ۱۳۳ ۲ - روضه‌الصفای جلد دهم صفحات ۱۵۷ و ۱۶۰ و فارسنامه گفتار
- اول ص ۲۸۸ ۳- تاریخ قاجاریه سپهر جلد دوم ص ۱۰۱ ۴- ایضاً جلد سوم ص ۲۱
- ۵- روضه‌الصفای جلد دهم ص ۳۵۱

در طهران به انجام وظایف سابق ادامه داد. ۶ در واقعه سوء قصد سه نفر از پیروان قرقه بابیه به ناصرالدین شاه که در سؤال ۱۲۶۸ اتفاق افتاد میرزا محمدخان کشیکچی باشی و اسدالله خان میرآخور^۷ و نظام الملک^۸ که به فاصله چند قدمی شاه مر کب میرانندند دونهرا از ضاربین رادستگیر نمودند. ۹ پس از این حادثه اطرافیان مهدعلیا ذهن شاه را نسبت به برادر کوچکترش عباس میرزا که از مادر دیگر یعنی از بطن خدیجه خانم چهاربغی بود مشوب و او را به همدستی و مواضعه با قتنه جویمان متهم نمودند. شاه در ذی قعدة همان سال میرزا محمد خان را مأموریت داد تا عباس میرزا را از قم به سمنان تبعید کند و ظاهراً سوء قصدی هم در حق شاهزاده جوان در کار بود. ۱۰ عباس میرزا مینویسد: «میرزا محمدخان فاجار که به منصب کشیکچی باشیگری مفتخر بود مأمور شد با چهارصد نفر غلام آمده در قم مرا بگیرد و به شهر سمنان برده در قلعه ای حبس نماید و خودش من باب حق نمک شاه مرحوم از کشتن من استعفا کرده بود و قبول شده بود که او مرا به قلعه سمنان رسانیده مراجعت نماید بعد کس دیگر را مأمور به قتل من فرماید.» ۱۱

میرزا محمدخان کشیکچی باشی هنگام جنگ ایران و انگلیس بر سر هرات که بسال ۱۲۷۳ اتفاق افتاد به فرماندهی کل قوای فارس منصوب گردید ۱۲ و محمد مهدی خان فرزند ارشدش را نیابتاً مأمور کشیک خانه کرد و خود او با استمداد کافی به محل مأموریت رفت. ۱۳ رضا قلی خان هدایت راجع به انتصاب میرزا محمدخان به فرماندهی قوا چنین مینویسد: پس از این که به تدریج سپاه نصرت پناه با سرکردگان و سرتیبیان رزم آگاه مأمور به فارس شدند لازم افتاد که در این وقت کاردانی بزرگ و حکمرانی امین به فرماندهی آن سپاه تعیین باید لهذا مقرب العاقان امیرالامراء - العظام میرزا محمدخان کشیکچی باشی فاجار خلف الصدق مرحوم امیرخان سردار که عمده دولت و رکن حشمت و روی انجاب و بازوی ابطال بود بدین خدمت نامزد شد. ۱۴ شرح حوادث این جنگ از موضوع مورد بحث ما خارج است و همینقدر متذکر باید شد که از خان فاجار در این مأموریت خدمات شایانی به منصف ظهور نرسید. اما نویسنده لازم میدانند که توجه خوانندگان را به سطور زیر که از طرایق الحقایق نقل گردیده است جلب نماید: «میرزا محمدخان به مرحوم رحمت علیشاه ۱۵ اظهار ارادت و اخلاص مینمود و با گرفتاری جاه و منصب طریق سلوک می پیمود و

۶ - ایضا ص ۲۷ و منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۱۵ ۷ - مقصود اسدالله خان برادر نانی مهد علیا مادر ناصرالدین شاه است که بعدها حاکم همدان و به معتمد الملک ملقب شد و بسال ۱۲۷۶ درگذشت. بعد از اسدالله خان لقب معتمد الملک به محمد ابراهیم خان امیردیوان برادر عباس قلی خان معتمدالدوله جوانشیر و بعد از او یحیی خان پسر میرزا نبی خان قزوینی (که بعد از فوت برادرش حاج میرزا حسین خان سپهسالار به مشیرالدوله ملقب گردید) و بعد از وی به حسین خان پسر یحیی خان مشیرالدوله داده شد. ۸ - یعنی میرزا کاظم خان پسر میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری ۹ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۲۰ ۱۰ - شرح حال عباس میرزا ملک آرا ص ید ۱۱ - ایضا ص ۶ ۱۲ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۵ ۱۳ - تاریخ قاجاریه سپهر جلد سوم ص ۳۱۲ ۱۴ - روضة الصفا جلد دهم ص ۷۲۸ ۱۵ - مقصود آقا زین العابدین حاج میرزا کوچک شیرازی از درویش شاه نعمت اللهی است که لقب طریقتی اورحمت علیشاه بود. رحمت علیشاه بسال ۱۲۰۸ هـ ق متولد گردید و در ۱۲۷۸ بسن هفتاد سالگی وفات یافت. برای اطلاع از شرح حال او رجوع کنید به طرایق الحقایق جلد سوم صفحه ۱۷۶ بعد و فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۱۲۳ و مکارم الانار جلد دوم ص ۳۲۷.

مایل به صحبت درویشان بود و در سال ۱۲۷۳ که دولت ایران را با انگلیس در حدود بوشهر جنگ افتاد به سرداری کل سپاه ظفریناه به شیراز آمد و تجدید عهد قدیم از خدمتش نمود و تا در شیراز توقف داشت مفارقت حضرتش را روا نداشت. ۱۶ مطالب بالا حاکی از این است که میرزا محمدخان بجای این که بیدرتک از شیراز روانه بوشهر شود مدتی را در منحصر رحمت علیشاه به کسب فیض اشتغال داشته و سپس به کازرون و برازجان رفته است. بدیهی است که از تربیت شدگان مکتب معصوم علی شاه دکمی ۱۷ انتظاری جز این نیست که دم را غنیمت بدانند و دفاع از خاک وطن را به تقدیر حواله کنند. آری این صلح طلبان اهل طریقت و بیرون حق و حقیقت اند که باید پوست و منشا و ککشکول و تبرزین و صدای بوق درویشی را به صفیر گلوله و شیپور جنگ و شلیک توپ و تفنگ ترجیح دهند و به جای تمرینات نظامی به ریاضت و چله نشینی بپردازند !!!

بقراریکه از نامه رمز میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری سرداعظم وقت به فرخ خان غفاری استنباط میشود میرزا محمدخان در موقع حرکت از طهران مبلغ یکصد هزار تومان وجه نقد از بابت مخارج قشون اعزامی از دولت دریافت داشته است. اعتمادالدوله ضمن گله و شکایت از مضیقه مالی و مشکلات روزافزون دیگر به فرخ خان مینویسد که صلاح در تسریع عقد قرارداد صلح است و ضمناً متذکر میشود که «میرزا محمدخان کشیکچی باشی صد هزار تومان با خود برد که هیچ دخلی به قشون مأمور فارس که از هزارها بیرون است ندارد». ۱۸

میرزا محمدخان پس از مراجعت از بوشهر کماکان اداره امور کشیکخانه را به عهده گرفت. علی قلی خان مخبرالدوله پسر رضا قلی خان هدایت ضمن یادداشت های خود مینویسد: «۱۲۷۴ اسباب تلگرافی میرزا ملکم از پاریس فرستاده بود. از آن جمبه ها یکی در خوابگاه یکی در بالاخانه میرزا محمدخان کشیکچی باشی یکی در خانه میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه نصب شده». ۱۹ پس از انفضال میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری از مقام صدارت در بیستم محرم ۱۲۷۵ ناصرالدین شاه چنین مقتضی دید که از آن به بعد رسیدگی به امور کشوری و لشکری به یک شخص واحد محول نشود و در اجرای این تصمیم مشاغل عمده را بین شش وزارتخانه جدید التاسیس به شرح زیر:

وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت وظایف تقسیم نمود. در این سازمان جدید میرزا محمدخان به وزارت جنگ منصوب و ضمناً لقب سپهسالاری به او داده شد. ۲۰ میرزا حسن خان جابری انصاری مینویسد: «ظل السلطان مشق نظامی میکرد و شاه به دست خود سردوشی به او داد. چند روز بعد که سپهسالار دید سردوشیهای نظامی ظل السلطان را با مقرض چید و گفت امتیازات نظامی را باید رؤسای نظام بدهند تا همه بدانند که ترقیات نظامی از رهگذر کوشش و هنر است نه شرافت اصل و گوهر. لذا ظل السلطان از کودکی کینه سپهسالار را

۱۶ - طریق الحقایق جلد سوم ص ۱۹۴ - ۱۷ - برای اطلاع از شرح حال معصوم علی شاه دکمی رجوع کنید به بستان السیاحه ص ۲۵۳ - ۱۸ - صفحه ۱۲۴ شماره ۱۲ مورخ اسفند ۱۳۳۹ دوره دوم نشریه وزارت امور خارجه مقاله فاضل بزرگوار آقای دکتر ابراهیم تیموری تحت عنوان اختلاف ایران و انگلیس بر سر هرات. ۱۹ - خاطرات و خطرات چاپ اول ۸۷ نوشته حاج مهدی قلی خان مخبر السلطنه هدایت. ۲۰ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۵۹ و مرآت -

پس از انتصاب میرزا محمدخان به وزارت جنگ منصب کشیکچی باشیکری به میرزا محمد مهدی خان پسر او واگذار شد. ۲۲. سپهسالار در ۱۲۷۶ به عضویت مجلس شورای دولتی انتخاب ۲۳ و در ۱۲۷۹ به دریافت يك قطعه گل کمر مکمل به الماس مفتخر گردید و ناصرالدین شاه به منظور تأمین نظم و انضباط قشون فرمانی به شرح زیر بعنوان اوصا در کرد :

« اولاً اطمینان کامل به اعمال و افعال سپهسالار داشته و داریم . در باب عزل و نصب و جرح و تعدیل و تصدیق و تکذیب احکام و اوامر در کل عمل قشون ، ما بدون صوابدید و صلاح سپهسالار به هیچ وجه حکمی نخواهیم فرمود و آنچه سپهسالار عرض بکند همان را مضمی و مجری خواهیم داشت. در باب مواجب و تدارک نوکر که به خرج ولایات میاید باید سپهسالار شرحی بنویسد هر طوری که صلاح میدانند که مواجب و جیره درست و بی عیب در وقت و موقع به نوکر برسد بمرض برساند و از آن قرار حکم صادر شود . باید طوری باشد که مواجب سربازی یا سواری را که در اقصی بلاد ایران است مثل مواجب و جیره افواج و نوکر طهران که حاضر رکاب هستند برسانند بدون کم و زیاد . در باب اینکه هر ولایت رئیس از وزارت جنگ بر سر قشون آنجا باشد از همه بهتر دیوانخانه نظامی است اما منتظم باین طوری که شفاهاً به سپهسالار فرموده ایم . اگر غیر منتظم باشد بی مصرف است. باید سپهسالار همیشه يك نوع مواظبت خاصی در فقره دیوان خانه ها داشته باشد و از التفات ظاهری و باطنی ما بالمره خاطر جمع باشد. ۲۴»

تاتمام

مجله یغما - قسمتی از تاریخ عصر قاجاری بعنوان « حاج میرزا آقاسی » که از سال پیش در مجله بچاپ می رسد هنوز پایان نیافته ، امیدست در سال ۱۳۴۵ پایان یابد و مقالانی که در باره عصر قاجار تحقیق و تحریر شده ، باید بصورت کتاب منتشر شود .
 خدمتی که حسین سعادت توری در تدوین تاریخ قرن اخیر تمهد فرموده از خدمات بسیار بزرگ و مهم است به تاریخ ایران و بتحقیق در تمهد این نوع خدمت مورخی دقیق تر و بااطلاع تر و دانشمندتر از سعادت توری نداریم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۲۱- تاریخ اصفهان وری ص ۲۷۷ . انصاری ابن مطلب را در ذیل وقایع سال ۱۲۸۵ ثبت نموده که البته خطای فاحش است زیرا میرزا محمدخان سپهسالار يك سال قبل از این تاریخ فوت کرده بود . حاج میرزا حسین خان سپهسالار هم در ۱۲۸۵ بعنوان وزیر مختار ایران در اسلامبول به انجام وظیفه اشتغال داشت و هنوز به مقام وزارت و صدارت منسوب نگردیده بود که صلاحیت انجام چنین عملی را داشته باشد ، ظل السلطان در کتاب سرگذشت مسعودی در موارد عدیده از هر دو سپهسالارها به لحن شديدی مذمت کرده منتها از میرزا محمدخان کمتر و از حاج میرزا حسین خان بیشتر و زنده تر . ۲۲- مرآت البلدان جلد دوم ص ۲۴۱ - ۲۳- ایضاً ۲۴۹ و منتظم ناصری جلد سوم ص ۲۶۶ ۲۴- مرآت البلدان جلد سوم ص ۱۱۰